

انتزاع منجم است.

IRAN - UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

PARKWEG 13 - 2585 JH THE HAGUE
THE NETHERLANDS
TELEPHONE: (070) 52 00 64

دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده

پارك وگ ۱۳، شماره پستی ۲۵۸۵ جی اچ لاهه، هلند

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	تلفن ۵۲۰۰۶۴ (۰۷۰) دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده
ثبت شد - FILED	
No.	شماره
Date	تاریخ
	6/7/82
	۶۱/۴/۸۵

مخالفت با تصمیم شکلی دیوان در میسرورد
۹ پرونده نمونه از نظر شرط دادگاه صالحه

شماره ۶ - ۵۱ - ۶۸ - ۱۲۱ - ۱۴۰ - ۱۵۹ - ۲۵۴ - ۲۹۳ - ۴۶۶

ما (داوران آمریکائی) مخالف این تصمیم دیوان داورى هستیم که به دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر خواندگان پرونده های فوق الذکر - که در ثبت لایحه ظرف مدت مقرر در دستور دیوان قصور ورزیده و حتی از شرکت در جلسه رسیدگی امتناع کردند ، - اجازه داده شود که لایحه مربوط را پس از گذشت ۶ هفته از جلسه رسیدگی ثبت نمایند . این تصمیم با نظم کار دادگاه تناقض آشکار داشته و هراس ما از اینست که چنانچه دیوان به این شکل در کار خود تردید نشان دهد ، به احترامی که شایسته دستورات دادگاه است لطمه وارد آید . نگرانی ما از این تصمیم در صورتی قابل درک است که آنرا در قالب سلسله رویدادهائی که منجر به اتخاذ تصمیم شد مورد بررسی قرار دهیم .

خلاصه رویدادها

دیرزمانی است که دیوان داورى پذیرفته است که یکی از موضوعات مشترک در اغلب پرونده ها در زمینه صلاحیت ، مسأله تعبیر و نحوه کاربرد بند ۱ ماده ۲ ، بیانیه حل و فصل دعاوی است که از دیوان داورى ، صلاحیت رسیدگی به :

" ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین
که در آن قراردادهای مشخصا رسیدگی به دعاوی
مربوط در صلاحیت انحصاری دادگاه های صالحه
ایران ، با توجه به نظر شورای اسلامی
ایران باشد ."

را سلب می نماید .

نتیجتاً دیوان داورى برآن شد که فی الفور این امراساسی را مورد رسیدگی قرار داده و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. مراجعه شود به مقررات دیوان، ماده ۲۱ (۲). طبق این تصمیم قرار شد که شعب دیوان موضوع رسیدگی به مساله صلاحیت را در مورد تعدادی از پرونده هائی که در برگیرنده طیفی از مواد مربوط به دادگاه صالحه باشد به دیوان احاله نمایند. در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۸۲ (۲ فروردین ۱۳۶۱) متعاقب پیشنهاد ریاست دیوان، دیوان داورى موافقت نمود که طی روزهای ۳۱ مه تا ۲ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۵ خرداد تا ۱۲ خرداد ۶۱) جلساتی بمنظور تبادل اطلاعات در مورد پرونده های منتخب برگزار شود تا شاید بتوان این پرونده ها را مورد رسیدگی قرار داد. این تصمیم مورد اعتراض هیچیک از اعضای دیوان واقع نشد.

تجزیه و تحلیل پرونده ها منجر به شناسائی ۹ پرونده شد که در برگیرنده طیف مطلوبی از قراردادها و معاملاتی بود که در آنها موضوع شرط دادگاه صالحه مطرح بود و علیهذا دیوان را قادر میساخت که به جریان رسیدگی به تعداد بیشتری پرونده های گوناگون که در کلیه آنها موضوع صلاحیت مطرح بود، سرعت بخشد. رجوع شود به دستورالعمل داخلی دیوان* . طبق دستور شماره ۱

* طبق بند ۱ دستورالعمل داخلی دیوان :

دیوان داورى می تواند عندالاقضاء دستوراتی در جهت هماهنگی و تسریع پرونده هایی که در آنها موضوعات مهم مطرح است صادر نماید، از جمله و نه صرفاً، در مورد احاله پرونده ها به مجمع دیوان طبق دستور شماره ۱ ریاست دیوان دایر براینکه این قبیل پرونده ها بطور جداگانه و قبل از سایر پرونده ها مورد رسیدگی قرار گرفته و برنامه جلسات رسیدگی همهننگ گردد. دیوان داورى می تواند به طرفین داورى اجازه دهد که از طریق یک نفر نماینده منتصب راجع به مسایل مشابهی که در چند پرونده مشترک است، توضیحات کلی دهد، بدون آنکه این نحوه بررسی منجر به تلفیق پرونده ها گردد.

رياست دادگاه ، امر رسيدگى به موضوع صلاحيت در اين پرونده ها ، توسط شعب مربوطه كه مامور رسيدگى به آن ها بودند به مجمع داورى احاله گرديد . تفاهم بر اين بود كه مسائل مربوط به تفسير بيانیه هاى الجزاير توسط نماينده رابطة دولت ايالات متحده مطرح و هريكى از خواهان ها نيز لايحه اى تسليم و در چارچوب وضعيت بخصوص هر پرونده شفاها توضيح مختصرى بدهد . تاريخ ۳۱ مه (۱۰ خرداد ۶۱) كه قبلا ذكر شد به دليل عملى مختلف ، مناسب تشخيص داده نشد و قرار شد كه تمام روزهاى هفته اى كه از ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد ۶۱) شروع مى شود صرف رسيدگى و تبادل نظر گردد .

در تاريخ دوم آوريل ۸۲ (۱۳ فروردين ۶۱) دستورى تهيه و آماده صدور شده بود . لکن ، در آن تاريخ نماينده رابطة جمهورى اسلامى ايران به موضوع انتخاب ۹ پرونده ايراد گرفت و اعلام نمود كه ترجيح ميدهد ۳ پرونده مورد رسيدگى قرارگيرد . نماينده رابطة جمهورى اسلامى ايران اشاره اى به اينكه سه پرونده مورد نظر كدامست نكرد در عين حال در مورد هيچيك از ۹ پرونده نيز با لايحه اعتراضى نداشت . اعتراضى هم به شركت نماينده رابطة دولت ايالات متحده آمريكا در مجمع داوران نشد . نهايتا با توجه به ايراد نماينده رابطة ايران در مورد تعداد پرونده ها مقام رياست دادگاه موضوع صدور دستور را تا رسيدگى امر در جلسه مورخ ۱۵ آوريل ۱۹۸۲ (۲۶ فروردين ۶۱) مجمع ديوان به تعويق انداخت .

در تاريخ ۱۵ آوريل ۱۹۸۲ (۲۶ فروردين ۶۱) اين موضوع در مجمع ديوان مورد بحث و گفتگو واقع شود نمايندگان رابطة دو دولت نيز نظرات خود را مطرح ساختند . بعد از اين جلسه ، يعنى در تاريخ ۱۶ آوريل ۱۹۸۲ (۲۷ فروردين ۶۱) رياست دادگاه دستور زير را صادر كرد .

رسيدگى به موضوع صلاحيت در پرونده هاى مشروحه زير توسط شعب مربوطه به مجمع ديوان احاله گرديد تا نسبت به شمول يا عدم شمول مفاد بند ۱ ماده ۲ بيانیه حل و فصل دعاوى به ايسين پرونده ها اتخاذ تصميم بعمل آيد .

این پرونده ها عبارتند از شماره های
۶ - ۵۱ - ۶۸ - ۱۲۱ - ۱۴۰ - ۱۵۹ - ۲۵۴ - ۲۹۳ و ۴۶۶
کلیه دستوراتی که قبلا در مورد تعیین تاریخ
رسیدگی به این پرونده ها صادر شده است بدینوسیله
اصلاح می گردد. طرفین داوری ملزم هستند
تا تاریخ اول ژوئن ۱۹۸۲ (۱۱ خرداد ۱۳۶۱)
لواحی پیرامون موضوع زیر تهیه و تسلیم
نمایند .

" شمول یا عدم شمول صلاحیت دیوان نسبت به
رسیدگی به دعاوی ناشیه از قرارداد های
لازم الاتباع فیما بین که در آن ها مشخصا رسیدگی
به دعاوی مربوط ، با توجه به نظر مجلس
شورای اسلامی در صلاحیت انحصاری دادگاه های
صالحه ایران باشد " .

بعلاوه ، دیوان داوری بدینوسیله هفته ۲۱ تا ۲۵
ژوئن (۳۱ خرداد تا ۴ تیر) را بمنظور
رسیدگی شفاهی به موضوع فوق الذکر در این پرونده ها
تعیین می نماید . این گردهمایی که در ابتدا
با یک جلسه رسیدگی مقدماتی شروع می شود ،
راس ساعت ۹/۳۰ روز ۲۱ ژوئن ۸۲ (۳۱ خرداد ۶۱)
در ساختمان شماره ۱۳ ، خیابان پارک و خ ، لاهه ،
برگزار خواهد شد .

بدینوسیله از دولتین ایران و آمریکا
دعوت می نماید که از طریق نمایندگان رابط خود
طبق برنامه فوق در جلسه رسیدگی راجع به
این موضوع شرکت فرمایند .

در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۸۲ (۱۰ خرداد ۱۳۶۱) یعنی روزی که فردای
آن کلیه لوايح می بایست به ثبت می رسید ، نماینده رابط جمهوری
اسلامی ایران طی نامه ای به ریاست دادگاه بر آن شد که دستور
مورخ ۱۶ آوریل ۸۲ (۲۷ فروردین ۶۱) را خنثی نماید . نماینده رابط
ایران ضمن اشاره به مراحل که در دستور تعیین شده ، درخواست
کرده است که این ترتیب کلا تغییر یابد بدینحوی که فقط یک یا
دو پرونده ، طبق یک " برنامه زمانی " جدید ، برای رسیدگی انتخاب شود .
البته در این نامه مشخص نشده است که کدام پرونده ها مورد رسیدگی

قرار گیرد و در چه تاریخی این کار انجام شود . در این نامه اظهار شده است که بهیچوجه ممکن نیست که خواندگان بتوانند تا تاریخ اول ژوئن ۸۲ (۱۱ خرداد ۶۱) لوایح خود را تسلیم کنند ولی در عین حال درخواست تمدید مهلت تسلیم لایحه نیز نشده است .

نامه مورخ ۳۱ مه ۸۲ (۱۰ خرداد ۶۱) نماینده رابط ایران بلافاصله در تاریخ اول ژوئن ۸۲ (۱۱ خرداد ۶۱) در مجمع دیوان مورد بررسی واقع شد . پس از استماع نظرات نمایندگان رابط ایران و آمریکا و متعاقب بحث و تبادل نظر راجع به موضوع در مجمع دیوان ، ریاست دادگاه اعلام داشت که اصلاح دستور قابل توجیه نبود و بنابراین دستور کماکان به قوت خود باقیست (تاکید از نویسنده است) .

کلیه خواهان های آمریکائی ۹ پرونده انتخابی ، لوایح خود را طبق دستور دیوان تا تاریخ اول ژوئن ۸۲ (۱۱ خرداد ۶۱) به ثبت رسانده بودند . بعلاوه ، در تاریخ اول ژوئن ۸۲ (۱۱ خرداد ۶۱) دفتر دیوان لایحه دولت ایالات متحده آمریکا راجع به موضوعات کلی ، را دریافت و بعدا ثبت نمود . لکن نه جمهوری اسلامی ایران و نه هیچیک از خواندگان تا تاریخ یاد شده یا حتی بعد از آن تاریخ ، هیچ لایحه ای به ثبت نرساندند .

با وجود اینکه مجمع دیوان در سه نوبت ، ادامه کار را مورد تأیید قرار داده بود ، معذک نماینده ایران همچنان به کوشش های خود در جهت مخالفت در برگزاری جلسه رسیدگی در تاریخ ۲۱ ژوئن ۸۲ ادامه داد . در تاریخ سوم ژوئن ۸۲ (۱۳ خرداد ۶۱) ۹ نامه مشابه که هر کدام به یکی از ۹ پرونده مربوط میشد ، برای ریاست دیوان ارسال و طی آنها درخواست گردید که هر پرونده بطور جداگانه مورد رسیدگی واقع شده و جلسه رسیدگی تا تاریخ نامعلومی به تعویق افتد . نامه دیگری بتاريخ ۱۳ ژوئن ۸۲ (۲۳ خرداد ۶۱) برای ریاست دیوان ارسال و درخواست شد که جلسه رسیدگی مورخ ۲۱ ژوئن ۸۲ (۳۱ خرداد ۶۱) لغو و نحوه بررسی کلاکنار

گذارده شود و در مورد هر پرونده جوابيه و پاسخ جوابيه و جلسه رسيدگى مقدماتى و داورى جداگانه تهيه و ترتيب داده شود. در نامه مورخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) ايران براى اولين بار نسبت به ارائه هرگونه لايحه توسط ايالات متحده اعتراض و درخواست نمود که ديوان داورى ضمن صدور دستور، لايحه ايالات متحده را که در تاريخ اول ژوئن ۸۲ (۱۱ خرداد ۶۱) ثبت شده بود حذف نمايد. نماينده ايران در نامه مورخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) خود گفته بود که "ايران در حال حاضر قصد ندارد" بنحو مقتضى به محتوای لايحه ايالات متحده جواب دهد اما اضافه نموده بود که "اين جواب را به وقت مناسب تری وامى گذارد." باز، ايران مشخص ننمود که بفرض اينکسه لايحه ای هم ارائه کند، چه وقت برای تسليم لايحه "مساعد" خواهد بود. رئيس دادگاه به نماينده ايران اطلاع داد که جلسه رسيدگى طبق دستور مورخ ۱۶ آوريل ۸۲ (۲۷ فروردين ۶۱) در تاريخ دوشنبه ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد) برگزار ميشود که بدوا با یک جلسه رسيدگى مقدماتى در ساعت نه صبح آغاز می گردد.

عصر يکشنبه ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) نماينده ايران خواسته های خود را که قبلا در نامه مورخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) مطرح کرده بود، از عنوان و اضافه کرد که نبايد به نماينده ايالات متحده حتى اجازه استدلال شفاهى در مورد موضوعات مشترک داده شود و وی بايد فقط جهت پاسخگوئى به سوالات در جلسه حضور يابد.

ساعت نه صبح دوشنبه ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد) مجمع ديوان بمنظور بررسى آخرين نمايش سياسى ايران، تشكيل جلسه داد و بدیمن ترتيب آغاز بررسى را بتاخير انداخت. پس از اينکه هر دو نماينده نظرات خود را ارائه داشتند، ديوان تصميم گرفت که بررسى طبق برنامه پيش رود.

بررسى ۹ فقره ادعا در تاريخ ۲۱ تا ۲۲ ژوئن (۳۱ خرداد و ۱ تير) انجام گرفت. نماينده ايران در تالار دادگاه حضور داشت اما اظهار داشت که نسبت به هيچک از خواننده ۹ پرونده سمت نمايندگى ندارد. نماينده ايالات متحده در مورد مسائل مشترک، بطور شفاهى استدلال نمود و بدنبال

وى ، وکلای هر یک از ۹ خواهان نظرات خود را در مورد موضوعات خاص هر پرونده ، ارائه داشتند . هنگامیکه استدلالات وکلای در ظهر ۲۲ ژوئن (۱ تیر) بپایان رسید ، ریاست دیوان سؤال کرد که آیا نماینده ایران صحبتی دارد که ایراد نماید؟ نماینده ایران مجدداً تأکید نمود که وی نمایندگی هیچکدام از مدافعین را بعهدہ ندارد ، اما اضافه کرد که حق خوانده ها محفوظ خواهد بود . رئیس دیوان آنگاه ، وفق ماده ۲۴ مقررات دیوان ، ختم رسیدگی را اعلام نمود .

در بعد از ظهر ۲۲ ژوئن (۱ تیر) مجمع دیوان وارد شور شد . اما در آن هنگام نماینده ایران با ارائه نامه ای " به نیابت از طرف های ایرانی داوری " تقاضا نمود که برای تسلیم لوائح به خوانندگان چهارم ماه مهلت داده شود .

مجمع دیوان پس از بررسی این تقاضا ، در مورد اینکه آیا بینه خوانده های ایرانی جهت تسلیم لایحه باید فرصت بیشتری داده شود یا خیر اقدام به رای گیری نمود . اکثریت ضعیفی از دیوان ، با اینکه خوانندگان ایرانی مکرراً از رعایت دستور ۱۶ آوریل سر باز زده بودند ، تصمیم گرفت تا به آنها اجازه دهد که بعداً لوائح خود را ارائه نمایند . متعاقباً این تصمیم به هر دو نماینده اعلام شد و مخالفت مانیز با همین تصمیم است . ریاست دادگاه روز ۱۵ اوت (۱۹ مرداد) را بعنوان مهلت تسلیم لوائح از طرف خواننده های ایرانی تعیین نمود . رجوع شود به مقررات دیوان ، ماده ۳۱ (۲) اکنون که به خوانندگان اجازه داده شده که لوائح خود را (بعداً) ثبت نمایند ، لازمست به (خواننده های) آمریکایی نیز اجازه داده شود که لوائح متقابل خود را تسلیم نمایند ، بدلیل اینکه طرف آمریکائی قبل از جلسه رسیدگی لایحه ای از طرف ایرانی دریافت نکرده و ضمناً ایرانیان بطور شفاهی نیز استدلالی ارائه نکرده اند ، بنابراین طرف آمریکائی فرصت نداشته که به استدلالات طرف ایرانی پاسخ گوید . نتیجتاً مجمع دیوان تصمیم گرفت اجازه دهد که خواننده های آمریکائی لوائح متقابل خود را تا ۱۵ سپتامبر (۱۹ شهریور) تسلیم نمایند .

دلایل مخالفت

نگرانی عمده ما اینست که اینگونه تسلیم دیوان در آخرین دقایق در برابر خواسته های غیر منطقی و یک جانبه ^{السرمان} به انجام دستورات دیوان لطمه خواهد زد. طرفی که بی اعتنائی نسبت به دستورات دیوان را پیشه سازد، باید حتما عواقب عمل خود را هم تحمل کند والا دیوان با خطر از دست دادن اختیار خود مواجه خواهد شد.

همانطوریکه ریاست دیوان در تاریخ ۱۱ ژوئن (۱۱ خرداد) اظهار داشت، ایران تا آن تاریخ بابت اصلاح دستورالعمل دیوان " هیچ توجیهی " نداشته و از آن بعد نیز توجیهی ارائه نکرده است. طبق ماده ۲۸ مقررات دیوان، اگر یکی از طرفین نتواند مدارکی را که دیوان دستور داده است، ظرف مدت معینی تسلیم نماید و یا در یک جلسه رسیدگی بدون ارائه دلیل کافی، غیبت کند، در آن صورت دیوان می تواند به کارداوری ادامه دهد. این قاعده، قاعده ای است منصفانه و لازم که عموماً در قواعد داوری بین المللی مشاهده میشود.* این ضمانت اجرا عملاً تنها وسیله ای است که دیوان داوری در اختیار دارد تا دستورات خود را بموقع اجرا گذارده و تضمین نماید که مسئولیت جریان دادرسی را نه یکی از طرفین که خود دیوان بر عهده دارد. بنظر ما، دیوان در عدم اعمال آن قاعده تحت این اوضاع و احوال، دچار خطا و لغزش شده است.

ما همچنین متوجه این امر هستیم که تعداد کثیری پرونده بر دوش دیوان سنگینی می کند و دیوان باید قدرت برنامه ریزی و اجرای برنامه دشوار خود را داشته باشد. از این لحاظ، این دیوان با داوریهایی

*مراجعه شود، فی المثل به قواعد یونسیترال، ماده ۲۸، مقررات دادگاه دائمی داوری برای حل و فصل دعاوی بین دو طرفی که یکی از آنها دولت باشد، ماده ۲۵، مقررات دادگاه داوری اطاق بازرگانی بین المللی، ماده ۱۵، مقررات بین المللی دادگاه داوری لندن بند ب (۹)، آئین دادرسی کمیسیون داوری بازرگانی آمریکا، ماده ۲۸، مقررات داوری بازرگانی انجمن داوران آمریکا، بند ۳۰، مقررات کمیسیون داوری آلمان، بند ۲۱.

معمول بین المللی که فقط بایک پرونده سروکار دارند فرق دارد، چون اقدام دیوان نسبت به بعضی از پرونده های خاص و یا مجموعه ای از پرونده ها، ممکنست بر پیشرفت جریان کار بعضی پرونده های دیگر تاثیر گذارد. در این اوضاع، حیاتی است که دستورالعمل های دقیقی که از طرف دیوان وضع شده، بوسیله طرفین اجراء شود تا در نتیجه اقدام یک جانبه هیچیک از طرفین، نظم کار دیوان مختل نگردد. در اینجا، دیوان در مقابل یک مساله کلیدی و اساسی، روش هماهنگی را تنظیم و امر به اجراء آن داد قرار شد که لوایح بطور همزمان ارائه شده و پاسخ به لوایح نیز جزو استدالات شفاهی در جلسه رسیدگی ارائه گردد. مقصود از این کار این بوده که با طرفین بالسویه رفتار شده، در امر رسیدگی تسریع شود و نهایتاً موجب صرفه جویی (در وقت و هزینه) برای طرفین آمریکائی و ایرانی در ارائه دعاوی گردد.

برنامه رسیدگی با این قصد تنظیم شد که موضوعات مربوط به صلاحیت در ارتباط با نمونه ای از پرونده هائی که حاوی شرط دادگاه صالحه است پیش از تعطیلات ماه اوت دیوان حل و فصل گردد. این برنامه نه تنها در مورد ۹ پرونده مورد بررسی در ۲۱ ژوئن، بلکه در مورد تعداد کثیری پرونده های دیگر که شرط دادگاه صالحه در آنها مطرح است، حائز اهمیت بود. بعلاوه، مجمع دیوان و شعب مربوط برای پائین آوردن برنامه سنگینی و فشرده ای برای رسیدگی به سایر مسائل در پیش دارند و انتظار داشتند که موضوعات مربوط به شرط دادگاه صالحه را پیش از آن زمان حل و فصل کنند. تصمیم دادگاه مبنی بر تعویق تاریخ تسلیم لوایح توسط سایر خواننده ها، برنامه ریزی دقیقی را که قبلا در این زمینه شده بود بهم ریخته و با تاثیر سوئی که در رسیدگی سریع به تعداد کثیری از این پرونده ها گذاشته موجب زیان طرفین دآوری در پرونده های مربوط شده است.

به نظر ما بهتر است دستور مورخ ۱۶ آوریل (۲۷ فروردین) رعایت

شده و دیوان بلافاصله در مورد این موضوعات وارد شور شود.

Richard M. Mosk
ریچارد ام. موسک

George H. Aldrich
جورج اچ. آلدریچ

Howard H. Holtzman
هواردان. هولتزمن